خبرها

عرضه یک میلیون سیم‌کارت ایرانسل

فارس: یک مقام مطلع گفت: با توجه به اینکه هنوز شرکت هوواوی چین برای تبریز دکل و کانکس تامین نکرده، به نظر می‌رسد با محاسبه خوشبینانه ایرانسل بتواند تا پایان آذرماه تنها یک میلیون از ۲/۵ میلیون سیم‌کارتی را که قرار بود تا شهریورماه ارائه دهد، عرضه کند. این مقام مطلع اظهار داشت: با توجه به اینکه شرکت ایرانسل موظف به تامین ۲/۵ میلیون سیم‌کارت تا شهریور ماه است، شواهد و قرائن از اقدامات انجام شده در تهران، تبریز، قم و کرمانشاه نشان می‌دهد که این شرکت به سختی می‌تواند حتی نیمی از این تعهد را تا آن تاریخ برآورده کند. وی تاکید کرد: نتایج مذاکرات ایرانسل با دو شرکت اریکسون و زیمنس تاکنون منجر به عقد قرارداد نهایی نشده است. از طرفی GC مربوط به آلکاتل هنوز قراردادهای تامین تجهیزات اصلی و تکمیلی را نهایی نکرده است. این مقام مطلع گفت: متاسفانه در کشور فرآیند انعقاد قراردادها نزدیک به سه ماه طول می‌کشد. وی اظهار داشت: اگرچه در تهران شرکت نوکیا نزدیک به ۱۵۰ منطقه را تملیک کرده و یا در حال تملیک است، اجرای عملیات ساختمانی برای این سایت‌ها در تهران دست‌کم سه ماه طول می‌کشد.

بهای نفت به مرز ۷۴ دلار رسید

بلومبرگ: افزایش رشد اقتصادی آمریکا و افزایش مصرف بنزین در این کشور موجب شد بهای نفت خام برای هشتمین روز متوالی با افزایش مواجه شده و به مرز هر بشکه ۷۴ دلار برسد. افزایش تقاضای بنزین در آمریکا به علت آغاز تعطیلات سالروز استقلال در این کشور از یک سو و به پایین‌ترین سطح یک سال اخیر رسیدن تولید بنزین در آمریکا از سوی دیگر، موجب افزایش بهای نفت شد. در بازار معاملات نیویورک بهای نفت خام سبک برای تحویل در ماه آگوست به هر بشکه ۷۳ دلار و ۸۵ سنت رسید. بهای نفت خام همچنین با رشدی ۱/۳ دلاری که بالاترین افزایش از ابتدای ماه مه تاکنون محسوب می‌شود، مواجه شد.

ایران و عراق کانون قاچاق سوخت

فارس: بانک جهانی با اشاره به ارزان بودن فرآورده‌های نفتی در عراق و ایران و همچنین کنترل ضعیف مرزها اعلام کرد این دو کشور کانون‌های قاچاق سوخت در منطقه خاورمیانه هستند. طی تحقیقی که در مورد ۱۷ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا انجام شده است عراق به عنوان نخستین کشور منطقه از نظر ارائه بنزین و گازوئیل ارزان‌قیمت به شهروندان خود شناخته شده است. قیمت هر لیتر بنزین در این کشور سه سنت و هر لیتر گازوئیل یک سنت است. پس از این کشور ایران دومین کشور از نظر قیمت گازوئیل و سومین کشور از نظر قیمت بنزین شناخته شده است. قیمت هر لیتر گازوئیل در ایران بالغ بر دو سنت و هر لیتر بنزین ۹ سنت است. در میان کشورهای این منطقه ترکیه گران‌ترین کشور از نظر قیمت گازوئیل و بنزین شناخته شده است. در حالی که ایران و عراق به عنوان کانون‌های قاچاق سوخت در منطقه شناخته شده‌اند ترکیه نیز به مهمترین مقصد محموله‌های سوخت قاچاق تبدیل شده است. قیمت سوخت در ترکیه بیش از ده برابر قیمت سوخت در ایران و عراق است. قیمت گازوئیل در این کشور ۱۱۲ سنت و قیمت بنزین بالغ بر ۱۴۴ سنت اعلام شده است. کشورهای عربی واقع در حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه امارات متحده عربی و همچنین پاکستان از دیگر مقاصد صادراتی سوخت قاچاق از ایران و عراق هستند. قیمت بنزین در کشورهای مختلف منطقه به ترتیب عبارت است از عراق سه سنت، لیبی هشت سنت، ایران ۹ سنت، مصر ۱۰سنت، الجزایر ۱۵ سنت، یمن ۱۹سنت، قطر ۲۱ سنت، کویت ۲۴ سنت، عربستان ۲۴ سنت، بحرین ۲۷ سنت، امارات ۲۸ سنت، عمان ۳۱ سنت، تونس ۳۹ سنت، سوریه ۴۶ سنت، اردن ۶۱ سنت، مراکش ۷۰ سنت، لبنان ۷۱ سنت و ترکیه ۱۴۴ سنت. قیمت گازوئیل در این کشورها نیز عبارت است از عراق یک سنت، ایران دو سنت، لیبی ۹ سنت، یمن ۹سنت، عربستان ۱۰سنت، سوریه ۱۳ سنت، قطر ۱۶ سنت، بحرین ۱۹ سنت، اردن ۱۹ سنت، کویت ۲۴ سنت، عمان ۲۶ سنت، مصر ۲۸ سنت، امارات ۲۸ سنت، الجزایر ۳۲ سنت، لبنان ۴۳ سنت، تونس ۶۸سنت و ترکیه ۱۱۲ سنت. بانک جهانی در ادامه گزارش خود به هزینه‌های سنگین ناشی از یارانه‌های سوخت در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اشاره کرده و فشارهای مالی وارده بر کشورهای غیرنفتی این منطقه را تحمل ناپذیر عنوان کرده است. براساس این گزارش در حالی که کشورهای نفتی منطقه به لطف افزایش درآمدهای نفتی خود می‌توانند فشار ناشی از افزایش یارانه‌های سوخت را تحمل کنند کشورهای غیرنفتی با مشکلات شدیدی در این زمینه مواجه شده‌اند. اردن و لبنان از جمله این کشورها هستند. برای مثال درحالی که یارانه‌های سوخت در اردن در سال ۲۰۰۴ معادل ۳/۱ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۱/۳ درصد کل هزینه‌های جاری این کشور بود در سال ۲۰۰۵، یارانه‌های سوخت در این کشور به ۵/۸ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۹ درصد هزینه‌های جاری آن رسیده است.

در این شماره «اقتصاد و توسعه» می‌خوانید:

- چرا پول نفت بر سر سفره‌ها نیامد؟
- بررسی عملکرد ۹ ماهه دولت در عرصه اقتصادی
- روابط خصوصی در وزارت اقتصاد!
- مالیات در کجای اقتصاد ما قرار دارد؟
- سایپا دیزل، دیواری به بلندای خیال
- بررسی طرح جامع گردشگری ...

«اقتصاد و توسعه» را از دکه‌های روزنامه فروشی معتبر بخواهید

به بهانه روز صنعت و معدن

دولت و توسعه صنعتی

دکتر حسن درگاهی

یکی از اهداف اصلی توسعه اقتصادی در ایران باید تحقق رشد بالا و مستمر صنعتی و رقابت‌پذیر از طریق توسعه ظرفیت صادرات و بخش خصوصی تعریف شود. در شرایط جدید جهانی، فرآیند توسعه صنعتی ایران با محدودیت‌های بیشتری مواجه است. بدین جهت نقش دولت در پیاده‌سازی سازوکارهای بازار و توسعه فضای رقابت بسیار تعیین‌کننده است. اهداف توسعه صنعتی ایران با محوریت توسعه رقابت‌پذیری، باید در مشاوره با نمایندگان صنعت تدوین شود به طوری که سیاست صنعتی دولت نباید براساس نگرش‌های کوتاه‌مدت سیاسی و یا به صورت برآیندی از منافع گروه‌های خاص شکل گیرد. دولت در تنظیم دخالت‌ها و سیاست‌های حمایتی خود با هدف قرار دادن ارتقای تولید رقابتی، می‌بایست به طور هدفمند، مشروط و زمانبندی شده به رفع کاستی‌ها و مشکلات موردی بنگاه‌ها و صنایع خاص بپردازد و اکیداً از حمایت‌های نامحدود و عام بپرهیزد. و باید این توان را داشته باشد که حمایت خود را از بنگاه‌های اقتصادی که قادر در به رقابت در یک دوره زمانی مشخص نیستند، قطع کند. اجرای موثر سیاست‌های صنعتی، نیازمند پیش‌شرط‌های مهمی چون ثبات سیاسی، تضمین حقوق فردی، وجود اراده سیاسی برای توسعه، ثبات محیط اقتصاد کلان، ایجاد نهادهای توسعه‌ای، توسعه فناوری و تحقیق و توسعه، توسعه کارآفرینی و مهارت، کنترل کیفی و استاندارد است. تغییر نقش دولت از یک سو و جهانی شدن از سوی دیگر، مسئله توسعه بخش خصوصی را به طور جدی در پیشروی توسعه اقتصادی و صنعتی ایران قرار داده است. روند شاخص‌های اقتصاد کلان ایران نشان‌دهنده یک محیط باثبات برای فعالیت‌های بخش خصوصی نیست. در اقتصاد ایران، ماهیت توسعه آموزش و ارتقای فناوری، به علت استراتژی درون‌نگر در گذشته بر این امر مبتنی بوده است که بنگاه‌ها در یک فضای اقتصادی بسته با چالش منظم بازار مواجه نبوده‌اند. در چنین شرایطی بسیاری از بنگاه‌ها در مسیر انباشت انواعی از ظرفیت‌های داخلی فناوری مدیریت شده‌اند که در چالش‌های رقابتی و شرایط آزادتر و مقررات‌زدایی شده به آنها کمکی نمی‌کند. یکی از چالش‌های اساسی دولت در آینده، عضویت ایران در WTO و مدیریت فرآیند آزادسازی اقتصاد در این راستا است. به نظر می‌رسد استفاده از روش آزادسازی تدریجی می‌تواند رهیافت مناسبی در این زمینه باشد. در این رهیافت باید حمایت‌های شدید، مستمر و غیرآگاهانه و سایر موانع رقابت که همگی عواملی مخرب برای ساختار انگیزشی و فرآیند ظرفیت‌سازی محسوب می‌شود، به تدریج کاهش یافته و حذف گردند.

...

■ ۱- مقدمه: دولت و توسعه صنعتی

در فرآیند توسعه صنعتی کشور پس از تعیین چشم‌انداز توسعه صنعتی، پرسش اساسی این است که تصویر مطلوب چگونه باید تحقق یابد؟ مسیر حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب چگونه باید باشد؟ کدام مجموعه از تصمیمات سیاستگزاری و نهادسازی در اقتصاد داخلی، چه در سطح ملی و چه در سطح بخش صنعت، در هماهنگی با تحولات آینده اقتصاد جهانی هدف‌های توسعه صنعتی را امکانپذیر می‌سازد؟ الزامات محیطی و شرایط عمومی کشور در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، به عنوان زمینه‌ساز موفقیت توسعه صنعتی، چیست و چگونه باید ایجاد گردد؟ نکته مهم آن که این مجموعه اقدامات به خودی خود شکل نمی‌گیرد، بلکه نیازمند نقش موثر دولت است. تبیین جایگاه و حوزه وظایف دولت در فرآیند توسعه صنعتی به صورت یکی از مباحث جدال‌انگیز ادبیات جدید توسعه درآمده است. باید توجه داشت که تعیین وظایف دولت نیز با تعیین جهت و درجه دخالت دولت در بازارهای مختلف امکانپذیر است. این امر نیز به شدت از شرایط و تحولات اقتصاد جهانی تاثیر می‌پذیرد. بنابراین اگر مجموعه اقدامات لازم به دو سطح عمومی و خاص طبقه‌بندی شود، باید نقش دولت در فراهم ساختن این الزامات، در سطح اقتصاد ملی و همچنین در سطح بخش صنعت به درستی تعریف شود. تجربه نشان داده است که رشد سریع صنعتی، ابزاری مهم برای رسیدن به استانداردهای زندگی، درآمد و اشتغال فزاینده بوده است و اصولاً تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی جز از طریق توسعه شتابان بخش صنعت و خدمات حاصل نمی‌گردد. بر همین اساس تاریخ صد سال گذشته کشورهای در حال توسعه، شاهد تلاش بسیاری از دولت‌ها برای صنعتی شدن بوده است. با این حال تحولات صنعتی در کشورهای مختلف، تفاوت‌های چشمگیری با هم داشته است. در برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا، مانند سنگاپور، هنگ‌کنگ و تایوان تاکید اولیه بر ارتقای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و شرکت‌های فراملیتی بوده است. در برخی دیگر از کشورها، مانند شماری از کشورهای آفریقایی، دولت‌ها در فعالیت‌های تجاری و صنعتی نقش مهمی داشته‌اند و شرکت‌هایی با مالکیت دولتی در بخش‌های خدماتی و تولیدی تاسیس کرده‌اند. توسعه دولت در این کشورها عمدتاً بر اساس چارچوب‌های برنامه‌ریزی سوسیالیستی و همچنین نبود یک بخش خصوصی داخلی و پویا بوده است. در میان این دو روش، برخی از کشورها نیز از نظام‌های مختلط بهره جسته‌اند. در این کشورها، علاوه بر اینکه بخش خصوصی اجازه رشد و نمو و فعالیت در اقتصاد را دارد، دولت نیز نظارت‌هایی را اعمال کرده و شرکت‌های دولتی در صنایع مهم و برخی فعالیت‌های تجاری فعالیت می‌کنند. در این روش مختلط که در برخی از کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای آسیایی تولیدکننده نفت و به طور خاص در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رایج بود، ملی کردن نفت، معادن و سایر صنایعی که دارای مالکیت خارجی بودند دنبال شد. تا پایان دهه ۱۹۷۰ دولت‌ها و شرکت‌های دولتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نقشی مهم در مالکیت شرکت‌ها داشتند. این مسئله به طور خاص در مورد صنایع پایه و متکی به مواد اولیه و منابع طبیعی، مانند آهن و فولاد، استخراج و فرآوری نفت و پتروشیمی و همچنین در بخش‌هایی مانند حمل و نقل و توسعه زیرساخت‌ها رایج بود. رشد سریع نقش شرکت‌های دولتی در اکثر موارد با سیاست‌های جانشینی واردات و محدودیت‌های مقداری واردات (در راستای حمایت از این شرکت‌ها) همراه بود. اگرچه از سرمایه‌گذاران خارجی نیز استقبال شد، ولی این منابع اغلب در موارد خاصی مورد استفاده قرار می‌گرفت و اصولاً فشار بر افزایش سهم شرکای ملی و سهامداران داخلی شامل شرکت‌ها و موسسات دولتی بود. شرکت‌های دولتی در این کشورها، اغلب عملکرد خوبی نداشتند و اکثر آنها فاقد طراحی، برنامه‌ریزی صحیح و کارایی بودند. تاسیس آنها نیز اغلب منجر به سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر و بیش از حد می‌شد. این شرکت‌ها بخش عمده‌ای از یارانه‌های دولتی را به خود اختصاص می‌دادند و معمولاً نیز حجم آنها در طول زمان افزایش می‌یافت. به دنبال فشارهای فزاینده بر دولت‌ها برای توسعه زیرساخت‌های اصلی، تعداد زیادی از این شرکت‌های صنعتی دولتی راه‌اندازی و مدیریت شد و به تدریج بخش عمده‌ای از آنها به عنوان یک بار مالی فزاینده بر دوش دولت‌ها ظاهر شد. لیکن از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، ناامیدی ناشی از کارکرد بسیاری از این شرکت‌ها به همراه وخامت موقعیت اقتصادی و بار سنگین بدهی شماری از این کشورهای در حال توسعه، بسیاری از آنها را وادار کرد تا متعهد به اجرای اصلاحات بنیادین و بلندمدت با تاکید بر سیاست‌های موثر بر رشد صنعتی شوند. این اصلاحات اصولاً حرکتی به سمت اقتصاد بازار و معرفی بخش خصوصی به عنوان موتور اصلی رشد صنعتی بود. این روش سیاستی جدید، دارای چند محور اصلی است که از جمله آنها می‌توان به آزادسازی قابل ملاحظه قوانین سرمایه‌گذاری و مقررات مربوط به ارتقای سرمایه‌گذاری‌های جدید بخش خصوصی به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ورود فناوری خارجی، اجرای خصوصی‌سازی و کاهش نقش دولت در نگهداری شرکت‌های دولتی، آزادسازی فزاینده تجارت و رفع محدودیت‌های وارداتی و صادراتی و تاکید فزاینده بر توسعه ظرفیت صادرات اشاره کرد. امروزه در تحلیل‌هایی که در ارتباط با توسعه بخش خصوصی ارائه می‌شود، لازم است که اصول اساسی آزادسازی و اصلاح سیاست‌های صنعتی را مدنظر قرار داد. در این چارچوب، نقش متغیر دولت‌ها به مسئله‌ای مورد بحث تبدیل شده است. اغلب فرض بر این است که در اقتصادهای مبتنی بر بازار، نه تنها می‌بایست از نقش دولت به میزان چشمگیری کاسته شود، بلکه اکثر مسئولیت‌های رها شده توسط دولت نیز باید توسط بخش خصوصی و از طریق تعامل قوای بازار اداره شود. ولی توجه به این نکته نیز ضروری است که در فضای آتی جهانی شدن اقتصاد و وابستگی بین کشورها و همچنین آزادسازی سرمایه و تجارت، بحث دخالت و یا دخالت نکردن دولت باید به بحث نقش جدید دولت در توسعه صنعتی تغییر یابد. زیرا کشورهای در حال توسعه در فرآیند توسعه صنعتی خود در شرایط جدید جهانی با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو خواهند بود که در نتیجه، بیشتر نیازمند پیاده‌سازی سازوکارهای بازار و توسعه فضای رقابت هستند و طبیعی است که دخالت‌های تغییر شکل یافته دولت، به منظور رفع کاستی‌ها و اختلالات بازار در شرایط جدید، می‌تواند قابل توجیه باشد. در ادامه سعی شده است که با بررسی شرایط جدید اقتصاد جهانی و آینده‌نگری توسعه صنعتی، نقش جدید دولت در فرآیند توسعه صنعتی ایران تبیین شود.

■ ۲- ظهور شرایط جدید برای توسعه صنعتی

شرایط توسعه صنعتی به سرعت در حال تغییر است. هزاره جدید مجموعه عواملی را برای صنعت به ارمغان آورده است که بسیار متفاوت از دوره‌ای است که در آن صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه در منطقه آسیا در دهه ۱۹۵۰ اجرا شد. این شرایط ترکیبی از عوامل سیاستی، اقتصادی و فناوری است که از جمله آنها می‌توان به تغییرات سریع فناوری، جهانی شدن تولید، آزادسازی سیاست‌های اقتصادی در خصوص تجارت، سرمایه‌گذاری و مالکیت اشاره نمود. الف- سرعت تغییرات فناوری امروزه، تغییرات سریع و چشمگیر فناوری به گونه‌ای است که طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده و روش‌های سازماندهی و رفتاری الگوهای موجود مزیت نسبی را تغییر می‌دهد. در این راستا الگوی جدیدی برای رقابت ظهور کرده است که مشخصه آن، مزیت‌های مبتنی بر فناوری و دانش بوده و مزیت‌های رقابتی مبتنی بر موجودی منابع، به ویژه منابع طبیعی، اهمیت خود را از دست می‌دهند. با به کارگیری ساختارهای سازمانی جدید، بنگاه‌ها وارد شبکه‌های عظیم فناوری و تولیدی (از جمله خوشه‌های صنعتی، گروه‌های تجاری و موافقت‌نامه‌های قراردادی بلندمدت با تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان) می‌گردند. روند جانشینی مواد اولیه سنتی با مواد جدیدتر فزونی گرفته است. همچنین افزایش الگوی جدید رقابت در حوزه سیاسی، به منظور ایجاد محل‌های صنعتی جدید، منجر به سیاست‌های فعال دولت‌ها شده است. تغییرات فنی، جریان فناوری و تولید بین کشورها را نیز تغییر می‌دهد. اگرچه مهاجرت مردم بیشتر کنترل می‌شود ولی مهاجرت قانونی کارگران ماهر و مهاجرت غیرقانونی کارگران غیرماهر در حال افزایش است. از طرف دیگر هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات به طور قابل ملاحظه‌ای در حال کاهش است. حجم قابل ملاحظه‌ای از اطلاعات و دانش به قیمت ناچیزی از طریق اینترنت قابل دسترسی است. همچنین تعداد شبکه‌های انتقال اطلاعات و سرعت دسترسی به آنها نیز در حال افزایش است. به همین دلیل، جهان امروز به لحاظ اطلاعات و فناوری در مقایسه با دو سه دهه گذشته بسیار متفاوت است. این امر پیامدهای مهمی برای ماهیت فعالیت‌های صنعتی، جریان دانش مورد استفاده صنعت و بازاریابی محصولات به همراه دارد. تولید صنعتی خود تخصصی‌تر می‌شود و فعالیت‌های متفاوت به بنگاه‌های مختلف واگذار می‌شود. به علاوه، تولید صنعتی مبتنی به اطلاعات نیز رشد می‌یابد. برای مثال، امروزه ۵۰ درصد از ارزش یک خودرو به محتوای اطلاعاتی، طرح، مدیریت، بازاریابی و فروش آن بستگی دارد و یا بیش از سه چهارم ارزش یک کالای صنعتی نمونه به فعالیت‌های خدماتی مانند طرح، فروش و تبلیغات مربوط می‌شود. در این زمینه، اهمیت خدماتی مثل امور مالی، ارتباطات، حمل و نقل و سرویس‌دهی بر رشد صنعتی و رقابت‌پذیری مشهود است. استفاده از اطلاعات و خدمات جدید برای کشورهای در حال توسعه همانند کشورهای توسعه یافته اهمیت دارد. استفاده از فناوری‌های جدید به ویژه فناوری‌های مبتنی بر اطلاعات مستلزم مهارت‌های بیشتر، بهتر و جدیدتر است. این مهارت‌های جدید با اشکال جدید سازمان‌های کار و سیستم‌های تولید به طور کارآمد به کار می‌روند. این مهارت‌ها باید با موارد دیگری چون طبقه‌بندی‌های جدید شغلی، روابط جدید کاری و سیستم‌های جدید مدیریتی همراه شوند. مهارت‌ها دائم در حال تغییر هستند و به همین دلیل، سیستم‌های آموزشی باید این مهارت‌ها را در راستای نیازها به روز نگه دارند. از این‌رو، تقاضا برای متخصصین و تکنسین‌ها در تمام کشورها افزایش یافته است. این سیستم باعث تغییرات عمده در موقعیت فعالیت‌های کارا و مزیت‌های نسبی می‌شود. فعالیت‌های مبتنی بر فناوری- که به سرعت محصولات و فرآیندها را تغییر می‌دهند- نسبت به سایر فعالیت‌ها در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، در حال رشد سریع هستند. توانایی رقابت به طور قابل ملاحظه‌ای به توانایی به کارگیری فناوری‌های جدید در صنعت و خدمات بستگی دارد. در هر حال، رشد پایدار مستلزم تغییر در ساختار صنعتی از فناوری‌های ساده به فناوری‌های پیشرفته است. محور اساسی الگوی جدید، رقابت‌پذیری است. رقابت‌پذیری یعنی توانایی یک اقتصاد برای رشد و نمو در یک بازار باز که منجر به افزایش درآمد، ایجاد اشتغال پایدار و بهبود شرایط کار می‌شود. روش‌های سنتی رقابت که مبتنی بر هزینه‌ها و قیمت‌های پایین هستند با روش‌های رقابت مبتنی بر کیفیت، انعطاف‌پذیری، طرح، اعتبار و شبکه جایگزین می‌شوند. این تغییر نه تنها در بازارهای کالاهای صنعتی پیشرفته بلکه در بازار کالاهای مصرفی مانند پوشاک و مواد غذایی نیز روی داده است. بنگاه‌ها به منظور استفاده از بازدهی‌های نسبت به مقیاس و در راستای تخصص‌گرایی، در حال تخصصی کردن بخش‌های مختلف زنجیره تولید و تامین قطعات و خدمات برای بنگاه‌های دیگر هستند. در ضمن، بنگاه‌های پیشرو در اکثر صنایع به منظور مدیریت کاراتر پیچیدگی‌های هدایت زنجیره عرضه و نوآوری، زمینه رقابت فناوری خویش را توسعه می‌دهند. جریان تعامل و شبکه اطلاعات در میان ابزارهای رقابت، ابزارهای جدید هستند. در فعالیت‌های مبتنی بر فناوری ائتلاف استراتژیک با رقبا و همکاری نزدیک با شرکت‌های مرتبط امری ضروری است. رقابت‌پذیری، کشورهای در حال توسعه را به تدارک چیزی بیش از نیروی کار ارزان وادار می‌کند. اگر چه مزیت رقابتی مبتنی بر مزد پایین کارگران غیرماهر یا نیمه‌ماهر به عنوان یک نقطه شروع ارزشمند است ولی این مزیت می‌تواند موقتی و گذرا باشد چرا که نمی‌تواند افزایش مزد و درآمد را حمایت کند مگر اینکه به منظور ایجاد فعالیت‌های کارآمد و دارای ارزش افزوده بالا، مهارت‌ها و فناوری‌ها را به روز نگه دارد.

■ب- جهانی شدن تولید

تغییرات فناوری و جهانی شدن دو روی یک سکه‌اند. هزینه‌های کمتر حمل و نقل و ارتباطات، شدت رقابت را افزایش می‌دهد و یافتن اقتصادی‌ترین مناطق جهت تولید محصولات متفاوت برای بازارهای مختلف را ضروری می‌نماید. همانطور که تخصص‌گرایی افزایش می‌یابد، شبکه‌های تولیدی جهانی در شرکت‌های فراملیتی (TNCs) به نوبه خود باعث همکاری بیشتر بین بنگاه‌های مستقل می‌شوند. در عین حال، جهانی شدن فرآیندی به شدت نامتوازن است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تمرکز زیادی در ۱۰ کشور در حال توسعه دارد به طوری که سه چهارم FDI وارده به کشورهای در حال توسعه جهان وارد این کشورها می‌شود. این امر در خصوص صادرات این کشورها شدت بیشتری دارد. رشد تجارت به مشارکت متوازن با توزیع عادلانه‌تر مزیت‌های نسبی در بین این کشورها منجر نشده است. چنین عدم توازنی در تولید دانش جدید نیز وجود دارد. شمار کمی از کشورها در زمینه نوآوری تسلط دارند و در میان آنها، تولید دانش کارآمد در اختیار تعداد کمی از شرکت‌های بزرگ است. به همین دلیل بسیاری از کشورهای در حال توسعه خارج از این دور باقی می‌ماند. در مجموع، نوآوران عمده، بزرگترین و پویاترین شرکت‌های چندملیتی هستند. ولی ارتباط بین نوآوری و جهانی شدن به این مفهوم نیست که پایه دانش در مقایسه با قبل به‌طور وسیع‌تری انتشار یافته است. فناوری‌ای که شرکت‌ها در هر منطقه‌ای به کار می‌برند به توانایی‌های داخلی در اتخاذ و استفاده عملی از آن دانش بستگی دارد. جهانی شدن را می‌توان انتشار سریع‌تر فناوری‌های خاصی دانست (عمدتاً دانش فنی عملیاتی) و این بدان مفهوم نیست که فرآیند نوآوری سریع‌تر و وسیع‌تر منتشر می‌شود.

■ج- آزادسازی سیاست‌ها

شاید مهمترین عامل توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه، آزادسازی تجارت و آزادسازی بازارهای کار و سرمایه است که اغلب با مسئله خصوصی‌سازی و اصلاح شرکت‌های دولتی همراه می‌شود. امروزه، آزادسازی با افزایش موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، ارتقای کاهش تعرفه‌های تجاری منتخب و دسترسی به بازارهای بزرگتر همراه شده است. آزادسازی تجارت، نظام انگیزشی سرمایه‌گذاری صنعتی و توسعه فناوری را در کشورهای در حال توسعه تغییر داده است. رقابت فزاینده، شرکت‌ها را وادار کرده تا کارایی خود را افزایش داده و استفاده از فناوری‌های موجود را بهبود بخشند. بهبود تخصیص منابع بین شرکت‌ها و فعالیت‌ها، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را در بسیاری از موارد افزایش داده است. ارتباط بین آزادسازی و توسعه صنعتی، ارتباط یک به یک نیست. صنعتی شدن در نوع کارآمد خود و در حالت بهبود زنجیره ارزش افزوده، پدیده‌ای پیچیده است. برای این منظور باید مهارت‌ها و منابع زیادی برای آموزش فناوری مهیا شوند که این نیز مستلزم بازارهای عوامل و موسسات حمایتی است. آزادسازی بازارها در صورت ناکارآمد بودن به خودی خود کمکی نخواهد کرد. اگر بنگاه‌هایی که قصد مشارکت در رقابت بین‌المللی را دارند، توانایی کسب مهارت‌های جدید، فناوری یا منابع لازم برای رقابت را نداشته باشند به جای رشد پویا با پسرفت مواجه خواهند شد. در مجموع می‌توان گفت ترکیب آزادسازی، تغییرات فناوری و جهانی شدن به این مفهوم است که کشورها از یکسو با فرصت‌های بیشتر و از سوی دیگر با رقابت بسیار شدیدتری نسبت به قبل مواجه هستند.

■۳- نقش دولت در توسعه صنعتی آینده ایران

صنعتی شدن موتور اصلی رشد اقتصادی و مبنای مدرن شدن کشورهای در حال توسعه در آینده است و توسعه صنعتی زمینه‌ای جهت رشد کارآفرینی و منبع اصلی توسعه مهارت‌ها و ظرفیت‌های تکنولوژیکی و مدیریتی و همچنین عامل افزایش کیفیت محصولات است. همچنان که گذشت شرایط ویژه و نوظهور اقتصاد جهانی در عصر حاضر بخصوص توسعه سریع فناوری به تغییراتی عمده در مزیت‌های نسبی کشورها منجر می‌شود. از این‌رو ممکن است رشد صنعتی در کشورهای در حال توسعه در آینده به طور روزافزون پیچیده‌تر و مشکل‌تر شود. بنابراین سیاست‌های صنعتی و نقش دولت‌ها در این رابطه نیاز به تغییرات و تعدیلات عمده‌ای نسبت به گذشته خواهد داشت تا تطبیق و تصحیح شکست‌های بازار از طریق مداخلات سیاستی مناسب جهت اصلاح و بهبود عملکرد بلندمدت اقتصاد تضمین گردد. دولت‌ها باید نقش هدایتگری در افزایش رقابت‌پذیری، جهت‌گیری صادراتی بنگاه‌های داخلی و بیشینه کردن رفاه اجتماعی را بر خود فرض بدانند. پیش‌بینی‌های مربوط به رشد نشان می‌دهد که مرکز رشد شتابان تولید ناخالص داخلی، ارزش افزوده صنعتی و صادرات محصولات صنعتی، به دلیل رشد قابل ملاحظه اقتصادهای جدیداً صنعتی شده شرق آسیا، به این منطقه منتقل خواهد شد. در عین حال حرکت رشد صنعتی در سایر مناطق در حال توسعه نامتوازن‌تر خواهد شد. این نگرانی وجود دارد که بسیاری از کشورهای فقیر به همین صورت باقی بمانند مگر آنکه تغییرات اقتصادی عمده‌ای در این کشورها ایجاد شود. اهداف اجتماعی چون کاهش فقر فقط از طریق ایجاد درآمد و شغل‌های جدید- به عنوان بخشی از فرآیند رشد صنعتی- می‌تواند به طور کارآمد حاصل شود. به منظور توسعه ظرفیت رقابت بین‌المللی برای صنعت داخلی و تضمین تحقق اهداف وسیع‌تر اقتصادی- اجتماعی، صنعتی شدن نیاز به تغییر نقش دولت‌هاست. به منظور تسریع حرکت صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها باید در یک دوره گذار در چارچوب توسعه بخش خصوصی و جهت‌گیری فزاینده صادراتی یک رهیافت جدید پویا اتخاذ کنند. این امر مستلزم مداخلات موافق بازار و ایجاد انگیزش‌ها خصوصاً طی دوره گذار است تا بدین ترتیب تخصیص کارآمدتری از منابع انجام گیرد. رقابت جهانی و مقررات‌زدایی داخلی باید تخصیص منابع و تولید ناکارآمد را کاهش دهد. این امر ممکن است در ابتدا توسعه منابع انسانی واحدهای تولیدی کارآمد با مبنای مهارتی و سرمایه‌ای نیرومندی را ایجاب کند. از طرف دیگر توسعه ظرفیت تکنولوژیکی در سطح بنگاه‌ها عاملی مهم است. بنابراین تحت نظام بازار جهانی، اهمیت و نیاز به یک چشم‌انداز بلندمدت توسعه صنعتی در اقتصاد ایران که در گذشته از سیاست‌های حمایتی استفاده کرده و کمتر با نظام تجاری و بازار سرمایه جهانی آشناست قابل توجه است. همچنان که بیان شد به اعتقاد کارشناسان در چند دهه پیش‌رو، صنعتی شدن سریع موتور اصلی رشد کشورهای در حال توسعه خواهد بود. رشد مذکور باید از طریق ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی مناسب و توسعه منابع انسانی و فناوری و همچنین حمایت از حرکت آزادسازی، مقررات‌زدایی و تجارت آزاد استمرار یابد. در فرآیند صنعتی شدن کشورهای کمتر توسعه یافته مرحله گذار از فناوری پایین باید به گونه‌ای مناسب برنامه‌ریزی شود تا از رشد بیکاری و افزایش نابرابری درآمدها اجتناب به عمل آید. با توجه به پیچیدگی شرایط آتی اقتصاد جهانی که نیازمند تغییر نقش دولت‌هاست، توصیه‌های ذیل می‌تواند در طراحی فرآیند توسعه صنعتی ایران سودمند باشد.

■۱-۳- الزامات سیاستی، سازمانی و جهت‌گیری دخالت‌های دولت در توسعه صنعتی

۱- اهداف اصلی توسعه اقتصادی در ایران باید تحقق رشد بالا و مستمر صنعتی و رقابت‌پذیر از طریق توسعه ظرفیت صادرات و بخش خصوصی تعریف گردد. در فضای جهانی شدن اقتصاد و آزادسازی سرمایه و تجارت، بحث دخالت و یا دخالت نکردن دولت جهت رسیدن به این اهداف، به بحث نقش جدید دولت در توسعه صنعتی تغییر یافته است. اقتصاد ایران در فرآیند توسعه صنعتی خود در شرایط جدید جهانی با محدودیت‌های بیشتری مواجه خواهد بود بدین جهت نقش دولت در پیاده‌سازی سازوکارهای بازار و توسعه فضای رقابت بسیار تعیین‌کننده است. در این راستا تنها آن دسته از دخالت‌های دولت که در جهت رفع کاستی‌های بازار باشد می‌تواند در شرایط جدید قابل توجیه باشد.

۲- روند تحولات مداخلات دولت در فرآیند توسعه صنعتی در میان اقتصادهای صنعتی اولیه (مانند بریتانیا) و اقتصادهای صنعتی شده متاخر (مانند کشورهای آسیای جنوب شرقی) نشان می‌دهد که شرایط زمانی اقتصاد جهانی در هر دوره نقش تعیین‌کننده‌ای در حد تفصیل و نوع دخالت‌های دولت داشته است. به طوری که طی زمان با توسعه آزادسازی تجاری و پیشرفت‌های سریع تکنولوژی در سطح جهان، حوزه دخالت‌های کارکردی دولت، با نهادسازی‌های لازم جهت ایجاد محیط مناسب و توانمند برای فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، گسترده شده است. همچنین در حوزه دخالت‌های گزینشی دولت، دخالت‌های مستقیم مانند حمایت از صنایع نوزاد کاهش یافته ولی سایر دخالت‌ها در جهت رفع کاستی‌های بازار و در راستای توسعه رقابت‌پذیری فعالیت‌های صنعتی افزون‌تر شده است. شرایط زمانی صنعتی‌شوندگان اولیه و متاخر چهار تفاوت عمده وجود داشته‌است. اولاً پیشرفت‌های فناوری در دوره صنعتی شدن کشورهای گروه اول آهسته بود. ثانیاً، کشورهای صنعتی متاخر که به تازگی وارد فرآیند صنعتی شده بودند به دلیل حضور کشورهای صنعتی اولیه در فعالیت‌های اقتصادی و به جهت ساختار نفوذناپذیر بازارها، در ورود به بازارهای جهانی با مشکل مواجه بودند. ثالثاً با توجه به اینکه م